

## دریچه

### اندر حکایت سلفی گرفتن

**سعید خردمند**

● تا چند سال پیش، عکس‌گرفتن یک پدیده شخصی و فردی تلقی می‌شد، در حین سفر یا جمع‌شدن خانواده در کنار هم عکسی گرفته می‌شد و بعد در آلبوم عکس می‌ماند! خاک می‌خورد! تا اینکه سال به سال شاید دیده و تجدید خاطره‌های شود، عکس در اذهان ما چیزی بیشتر از این نبود… عکس دیگری را (تامجرم) دیدن پدیده‌ای تابو تلقی می‌شد، عکس مربوط به حوزه خصوصی این افراد تلقی می‌شد، اما روایت امروزه پدیده عکس و عکس‌گرفتن چیزی متفاوت از روایت دیروز آن است؛ امروزه عکس پدیده شخصی نیست، بلکه دست بر قضا، دارای هویتی جمععی و گروهی است!لب‌هایش را غنچه می‌کند، سرش را کج می‌کند و شاتر را فشار می‌دهد. ما جرا همین جا تمام نمی‌شود، ساعت‌ها کوشی همراهش را در دستش می‌گیرد و عکس را ویرایش می‌کند و در نهایت با وسواس زیادی سلفی‌اش را در اینستاگرام می‌گذارد و پیش از همه عکس خودش را لایک می‌کند.

ابراز وجود و دریافت توجه از دیگران، نسل و عصر نمی‌شناسد و در همه دوره‌ها با وجود، افراد بی‌رای ارضای نیاز «خود ابرازگری» و تأییدطلبی، دست‌به‌دامان شیوه‌های متفاوتی شده‌اند تا جایی که فناوری‌های دیجیتال برای نسل امروز، تکنیکی را به ارمغان آورده است که به وسیله آن می‌توان در کسری از دقیقه، لحظه‌ها را ثبت کرد و به اشتراک گذاشت. دوره‌ای که آلبوم‌های قدیمی و سرگرم‌شدن با تصاویر ثبت خاطرات در برگ‌های دفاتر مهروموم‌شده، جای خود را به آلبوم‌های دیجیتال و به‌اشتراک‌گذاشتن لحظه‌به‌لحظه تصاویر و گرفتن سلفی‌های رنگ‌به‌رنگ یا همان عکاسی از خود داده‌اند. در رابطه با عکس‌گرفتن، دیدگاه‌های مختلفی وجود دارد: «بشر از پدیده سلفی به‌عنوان ویروس خودشیفتگی نام می‌برد. درمقابل، جماعتی از آسوده‌خیال‌های همیشگی بشر این پدیده را پدیده‌ای زودگذر می‌دانند.»

## سخنی با سخنگوی شورای نگهبان

**سیدخدیجه توفیقیان**، فعال سیاسی و فرهنگی

● آقای کدخدایی، سخنگوی محترم شوروی نگهبان، در صحبت‌های اخیر خود، مطلبی درخصوص وزارت زنان عنوان کرده و تصدی پست وزارت را هم از دیگر مصادیق موانع شرعی قلمداد کرده‌اند که نه‌تنها انتظار نمی‌فت، بلکه سؤال اینجاست کسی که سال‌هاست در شورای نگهبان به‌عنوان عضو حقوق‌دان حضور دارد، چرا بی‌پروا و بدون استناد - حتی مستند فقهی- چنین مطلبی را عنوان کند؟

جناب کدخدایی قطعاً حضورذهن دارند که در دولت آقای احمدی‌نژاد آنچه توجه همگان را جلب کرد، حضور مؤثر سرکار خانم دکتر وحیددستجردی بود که بحق هم نشان دادند که لیاقت آن منصب را داشته‌اند، ولی نه شرع منع کرد و نه قانون و تنها زایویه به‌وجودآمده ایشان با آقای احمدی‌نژاد، مانع از ادامه فعالیتش شد. ما نباید به بهانه دفاع از شرع مقدس حقوق زنان را ذبح شرعی کنیم. آن‌گونه که قرآن کریم و سیره مکتب علمی پیامبر بزرگ اسلام(ص) و امامان معصوم(ع) به ما آموخته‌اند و آنچه از اصول قانون اساسی کشورمان که منطبق با همان سیره عملی پیامبر عظیم‌النشان اسلام به ما رسیده، این است که چیزی به صراحت منع شرعی نشده باشد، اصل بر جواز و مباح‌بودن آن است؛ مگر آنکه مخالف شرع مبین اسلام باشد.

بنابراین هیچ‌جایی از این مکتب الهی پیدا نمی‌شود که زنان را از ریاست یا مدیریت ارگان یا سازمانی منع کرده باشد. مطمئناً عهده‌داری وزارت یا ریاست جمهوری نیز از این مصادیق جدا نیستند که باید در پاره اصل اباحه قرار بگیرند و حکم به جواز آن داد.

از طرفی اصل ۱۱۵ قانون اساسی که قید رجال سیاسی را از قیود و شرایط ریاست‌جمهوری قلمداد کرده است، مبین آن نبوده که زن جزء رجال نباشد، چون اولاً آن‌گونه‌که عده‌ای از حقوق‌دانان معتقد هستند، رجال در مفهوم لغوی خود (مردان) مدنظر قانون اساسی نبوده و ثانیاً شورای محترم نگهبان که صلاحیت تفسیر قانون اساسی و از جمله معنای رجال سیاسی را دارد، تا‌به‌حال هیچ‌گونه تفسیری از این حیث نکرده است و بنابراین اصل اباحه با هم مجوز می‌دهد که قائل به جواز آن باشیم. از طرفی اگر به فرض، حکم به لزوم مردبودن برای مقام ریاست‌جمهوری باشیم نمی‌توانیم با وحدت ملاک از اصل ۱۱۵ این قید را (رجال) برای پست وزارت هم قیاس کرده و در نتیجه لازم بدانیم. ما مدافع تمام‌وکمال حقوق پامپال‌شده زنان جامعه هستیم که در تمامی عرصه‌ها نقشی برترنگ دارند و بلکه در برخی مواقع بهتر از مردان بوده و هستیم. به امید حضور بیش از پیش زنان سخت‌کوش و توانمند ایرانی و ایران‌زمین.

politics@sharghdaily.ir

مطالب ارسالی از طرف خوانندگان، هر پنجشنبه، در صفحه «مخاطبان شرق» منتشر می‌شود. مطالب مخاطبان برای اینکه قابلیت چاپ را در این صفحه داشته باشد، باید همراه نام،مشخصات، شماره تماس نویسنده و تا آنجا‌که ممکن است به صورت خلاصه با درج عنوان به آدرس

# فصل بزرگ‌مردی و سالاری

**محمدرضا کریمی**

با وجود آنکه کلمات گویبار اندیشمندان همیشه جاودیمان را به جان خریداریم، ولی فراموش نمی‌کنیم که در دوران اندیشه‌های امروز کشورمان، تک‌تک مردم دلوار ایران‌زمین رستم‌اند و همه، شیرزنان و شیرمردان بزرگی هستند که ثابت کرده‌اند آنجا که لازم است، حضور می‌یابند و از شرف و ناموس خود دفاع می‌کنند و نمونه بارز آن، فداکاری‌ها و جانباژی‌هایشان در دفاع از میهن و آزادی در جنگ هشت‌ساله تحمیلی است.

امروز هم سخن از شیرمرد میهن‌دوست بین‌مدار است؛ سخن از دکتر ابراهیم یزدی است؛ او که در محضر بزرگانی مانند آیت‌الله طالقانی و مهندس مهدی بازرگان شاگردی کرد و هنر مبارزه آموخت و هرجا که بود، چه در کشورش و چه خارج از کشور، دست از مبارزه برنداشت و در آمریکا که مشغول تحصیل بود، تمام سعی و کوشش خود را وقف مبارزه و حتی تشکیل انجمن اسلامی دانشمندان مقیم آمریکا و کانادا کرد؛ حتی در کمک به نبردهای مسلحانه علیه استبداد شاهی هم دریغ نکرد.

او قبل و پس از پیروزی انقلاب مشاور نزدیک امام چه در نوفل‌لوشاتو و چه در ایران، بود. در دولت موقت مهندس بازرگان پس از استعفای دکتر سنجابی، وزارت خارجه را عهده‌دار شد. موضع‌گیری‌های حزب توده، فداییان خلق، مجاهدین خلق، جنبش مسلمانان مبارز

به رهبری دکتر پیمان و خطامامی‌ها را که خوشبختانه دیر فهمیدند ولی متوجه شدند که موضع‌گیری‌هایشان درست نبوده است، فراموش نمی‌کنیم.

خلاصه کلام اینکه مرحوم مهندس بازرگان و همه یاران او با وجود مخالفت‌ها، به راه آزادی و آزادیگی خود وفادار ماندند و شخص دکتر یزدی نمونه برجسته آنان است که پس از فوت مهندس بازرگان دبیرکلی نهضت آزادی را بر عهده گرفت و به عهد و پیمان خود در دفاع از آزادی وفادار ماند.

نگارنده که حبس کشیده کودتای ۲۸مرداد است،

## پژواک

politics@sharghdaily.ir ارسال شود.
دبیهی است انتخاب متن‌های قابل انتشار، برعهده گروه سیاسی و مدیریت روزنامه خواهد بود؛ اما اسامی همراهان و مخاطبانی که مطالب خود را برای «شرق» ارسال کرده‌اند و موفق نشده‌ایم مطالب‌شان را منتشر کنیم، در همین صفحه ذکر خواهد شد.
روزنامه در ویرایش و تلخیص مطالب آزاد است.

# چشمه‌سار جاری غدیر

**علی‌اکبر یاری‌القار**

به اعتراف همگان، نزدیک‌ترین فرد به پیامبر(ص) حضرت علی(ع) بوده است که از کودکی در دامان او پرورش یافته و نردبان آسمان را پله‌پله پیموده است و خود او می‌گوید: پیامبر(ص) هر روز دری از فضایل علمی را به رویم می‌گشود و در تمام مراحل دعوت از عشیره اقربین تا پایان عمر شریفش، اولین حامی پیامبر بود و همواره مورد وثوق.

چشمه‌سار زلال و همیشه جاری غدیر، تا ابد تشنگان معرفت را سیراب از آب گوارایی خواهد کرد که سرچشمه آن حوض کوثر و آب زمزم است و آن آب، حیاتی است که در اساطیر فارسی کهن، اسطوره‌ها در پی نیل به آن بوده‌اند.

حدیث منزلت، حدیث کسا، داستان مایهله، حدیث نقلین و پیرنگ‌تر از همه جریان غدیر، نقطه تلاقی و اشتراک همه، ولایت علی ابن‌ابیطالب است.

نگه‌داشتن خیل عظیم حجاج در آن آفتاب سوزان و بانگ و اعلام اینکه آنان که جلوتر رفته‌اند، برگردند و صبر

برای رسیدن آنان که هنوز نرسیده‌اند، به‌ویژه اینکه این اعلان عمومی در آخرین حج پیامبر و اواخر عمر شریف ایشان بود، تبریک همه حاضران به علی(ع) و این اصل مسلم که این کشتی نوظهور ناخدایی می‌خواهد تا در تلاطم دریا به وهم نینفتد و مسیر را به‌درستی و یقین بداند، جلگلی حکایت از ولایت علی(ع) دارد.

حدیث غدیر از معدود احادیثی است که علاوه بر تواتر معنوی، تواتر لفظی نیز دارد و کتب معتبر عامه و اهل سنت از قبیل صحاح نیز آن را روایت کرده‌اند و مسلمان علی(ع) شخصیت فراگیری دارد که گرچه اعتبار تشیع است، ولی منحصر به شیعه نیست و اهل سنت الکتاب تعالوا لی کلمه سواء بیننا و بینکم»(آل عمران، ۶۴) مخاطب آیه فراتر از اسلام است. می‌خواهد تمام اهل کتاب بر اجتماع تکیه کنند.

برداشت‌های افراطی در حَبّ علی(ع) سلیقه‌ای، تعصبی ویک‌جانبه‌گراست.

سال یازدهم • شماره ۲۹۵۷ روزانه

**نگاه**

## پیشینه و آینده «شاد بیروز» جداشده از ایران‌زمین

**میرمهرداد میرسنجری**

● به‌رغم تبلیغ ادعاهای دروغین انترنایان، وضعیت تاریخی- اجتماعی کردهای ساکن ایران به‌هیچ‌روی نباید با کردها در سه کشور دیگر در یک قیاس کردها در بستر تمدن آریایی، چندهزارساله کردها در بستر تمدن آریایی، شاکله سترگ تاریخی، فرهنگی، نژادی و زبانی را شکل داده که فنجابع عظیم تاریخی همچون حمله اسکندر و رومیان و جنگ چالدران و بعدها ظلم‌های عثمانی و ترکیه و رژیم بعثی عراق و… هم توانسته ریشه‌های این پیوند را از هم بکسلد. براساس اسناد تاریخی، کردستان از سال ۶۱۲ پیش از میلاد تا سده ۱۵ پس از میلاد، یعنی چیزی در حدود دوهزار سال، بخشی جدانشدنی از ایران بزرگ فرهنگی بوده‌اند.

یکی از قدیمی‌ترین اخباری که درباره کردها در دست است، کتاب «Anabasis» یا سفرنامه جنگلی گزنفون (xenophon) سردار لشکر، جغرافی‌دان و مورخ یونان باستان است که روبروویی کردهای ایرانی را در قالب سپاه اردشیر دوم هخامنشی (۴۰۱-۴۰۰ پیش از میلاد مسیح) با یونانیان باستان ا در منطقه اربلا (اربیل یا هولر امروزی)) شرح می‌دهد که منجر به شکست ارتش ۱۰هزارنفره یونان شد.

در زمان ساسانیان، عراق امروزی به‌عنوان بخشی از ایران بزرگ به‌عنوان منطقه «سورستان» یا «دل ایران‌شهر» نامیده می‌شد که این منطقه، به دوازده استان و شصت تسو (شهرستان) بخش شده بود که منطقه امروزی کردستان عراق در استان «شادبیروز» ایران قرار داشت و شمال‌غربی کردستان عراق هم استان «بالا» نام داشت. شهرهای بزرگ آن دوره استان شادبیروز (کردستان عراق امروزی-ن عبارت بودند از: اربلا (اربیل یا هولیر امروزی)، گرمیان (کرکوک امروزی) و آشب (عمادیه امروزی). پرفسور ان لمبتون در تاریخ ایلات ایران از قول ابن بلخی می‌نویسد: «کردان زبدگان لشکر ساسانی بودند…» و زبان کردی به‌عنوان یکی از کهن‌ترین گویش‌های ایران باستان شناخته شده است. هویت قوم کرد هم همواره با ملیت ایرانی عجین شده است. جنگ چالدران در ۱۵۱۴ میلادی (۵۰۳ سال پیش، ییوندهای هزاران‌ساله دوسوم کردستان را با سرزمین نیاکانی، یعنی ایران، قطع کرد. در این نبرد، ارتش ایران با کمتر از ۲۷ هزار نفر در برابر ارتش ۱۲۰هزار نفره عثمانی که به توپخانه و سلاح‌های آتشین مجهز بودند، قهرمانانه مقاومت کرد و شکست خورد و این‌گونه، بخش‌های وسیعی از ۲۰ امارت کردنشین (که دوسوم کل مناطق کردنشین ایران را تشکیل می‌دادند)، به‌ویژه حاکم‌نشین بدلیس، در قلمرو عثمانی قرار گرفت. البته بعدها شاه‌عباس کبیر و نادرشاه افشار توانستند بخش‌هایی از این سرزمین‌ها را به مام میهن بازگردانند، ولی بی‌کفایتی پادشاهان قاجار، به‌ویژه فتحعلی‌شاه و محمدشاه قاجار و دسایس استعمار انگلیس و روسیه سبب شد بخش‌های وسیعی از کردستانات و میان‌رودان (از جمله؛ کرلا، نجف و بغداد) مجدداً از قلمرو ایران جدا شده و به عثمانی ملحق شوند. آنچه در همه‌پرسی زودآمد (قریب‌الوقوع) استقلال شادبیروز (اقلیم کردستان) باید مورد توجه قرارگیرد این است که همه‌پرسی یعنی پرشش از شهروندان یک کشور برای تصمیم‌گیری درباره یک موضوع مهم، نخستین شرط شرکت در همه‌پرسی، آن است که شرکت‌کننده تابع کشوری باشد که همه‌پرسی در آن انجام می‌شود و این حیق همه افراد تابع کشور است.هیچ‌کس نمی‌تواند شهروندی را از شرکت در همه‌پرسی منع کند. زیرا آن موضوع آن‌قدر مهم است که تأیید یا نفی آن بر سرنوشته همه اتباع کشور تأثیرگذار خواهد بود. حال، اگر ااست در کردستان عراق همه‌پرسی برای جدایی صورت پذیرد، از آنجا که هنوز نتیجه آن معلوم نشده است، مردم کردستان که درحال حاضر فقط بخشی از شهروندان کشور عراق هستند، نمی‌توانند رای‌گیری را منحصر به خود کرده و دیگر شهروندان عراقی را از رای‌دادن محروم کنند. از این گذشته، اگر چنین کاری مجاز باشد، دیگر شهروندان غیرکرد نیز می‌توانند یک همه‌پرسی ایجاد کرده و طی آن رای بدهند که کردستان عراق مجاز نیست مستقل شود. اگر این دیدگاه به‌عنوان یک اصل در میان جامعه جهانی جا بیفتد، دیگر تحکرات تجزیه‌طلبانه در سایر نقاط جهان هم حل خواهد شد. اگر در دوران

پهلوی نیز چنین اصلی رعایت می‌شد، کار به آنجا نمی‌رسید که گفته شود برای استقلال بحرین از خود مردم بحرین نظرخواهی می‌کنیم، در حالی در قضیه بحرین، اگر هم تصمیم بر همه‌پرسی بود، باید از همه ملت ایران پرسیده می‌شد و نه فقط مردم بحرین؛ که البته حتی آن هم انجام نشد و از شماری شیوخ عرب بحرین، به‌عنوان نماینده همه بحرینی‌ها پرسش به عمل آمد و نتیجه نافرجام جداسازی بحرین به کل ملت ایران تحمیل شد.

**استادیار دانشگاه**
**و پژوهشگر فرهنگی و ژئولیتیک**

ایران نقش سازنده و برجسته‌ای می‌بود و چنین در حاشیه قرار نمی‌گرفت…» و این جای تعجب است که تلاش دولت موقت منتسب به نهضت برای پرهیز از هرگونه اصطکاک سیاسی و تنش اجتماعی و حاکمیتی که به شکل استعفا نمود پیدا کرد، در دایره افراط لحاظ کنیم و آن را در مسیر حفظ آرامش و ثبات انقلاب به قدرالسهم نهضت آزادی بررسی نکنیم. شاید آقای عبیدی مخالفت دولت موقت با حمله دانشجوبان به سفارت آمریکا را نمونه تندیرو می‌دانند و شاید هم مخالفت سمران دولتی و غیردولتی نهضت آزادی با برخی اقدامات اوایل انقلاب و محدودیت‌های سیاسی و اجتماعی، نمونه تندیروی باشد اما هرچه هست قطعاً خود ایشان هم قبول دارند که خروج از دولت و حضور در مجلس آن هم به استناد رای ملت و فعالیت پارلمانتاریستی که دیگر افراط نیست. حتی اگر همه اینها هم تندیروی باشند باز هم بسیار محافظه‌کارانه‌تر از تئوری‌های خروج از حاکمیت و عبور از خاتمی در دهه ۸۰ از سوی اصلاح‌طلبانی است که مدعی گفت‌وگو و پرهیز از هیجانات سیاسی و انطباق‌پذیری با تحولات جامعه و متعهدبودن به اصول اعلامی بودند و هستند. البته ترسیم نمودار فکری و عملی دکتر یزدی از سوی آقای عبیدی که به‌عنوان میراث ایشان برای کنشگران سیاسی در یادداشت مذکور درج شده، نشان‌دهنده توجه قابل‌تحصین ایشان به منش عملی دکتر یزدی است. اما آنچه فراموش کرده‌اند این است که همین میراث، ثمره بنیان فکری و رفتاری عمیق و مستحکمی است که از سوی بازرگان و سایر مؤسسین نهضت آزادی در ساحت سیاسی ایران ریشه دوانید و از جانب مردم دکتر ابراهیم یزدی به‌صورت مدنون‌تر و مستحکم‌تر برای کنشگران و حتی قابل‌اندازه‌گیری‌تر برای تحلیلگران بروز و ظهور خارجی پیدا کرد.



تمام‌نمای اندیشه‌های سیاسی بازرگان می‌دانند. مع‌الاسف آقای دکتر عبیدی در خوشبینانه‌ترین حالت به‌دلیل عدم شناخت کافی از سیره فکری این دو سیاستمدار کهنه‌کار، از درک ارتباط زنجیره‌وار تفکرات این دو نفر غافل مانده و سیره رفتاری آنها را در مقام قیاس باهم به ترازو نهاده‌اند. به نظر می‌رسد آقای عبیدی با متمایزکردن وجوه معتدل و مشی آرام و بصور دکتر یزدی سعی کرده‌اند که تفاضات پیش‌آمده در سال‌های اولیه انقلاب را که حول‌وحوش نهضت آزادی شکل گرفت به‌نوعی تندیروی تعبیر کنند و این‌گونه نتیجه بگیرند که: «شاید اگر نهضت آزادی از ابتدای انقلاب با خطمشی دکتر یزدی پیش می‌رفت، نه آن انشعاب مهم اول انقلاب میان نهضت آزادی رخ می‌داد و نه آن کناره‌گیری از حکومت بازرگان برای نهضت آزادی و دراین‌صورت و به‌احتمال‌فراوان می‌توان گفت که نقش نهضت آزادی در ادامه جمهوری اسلامی

سؤال اینجاست که چه میراثی گرانبهارتر از همین

مشی اعتدال و آرامش که از بنیان‌گذار این جریان به خلفش به ودیعه گذارده شده و اگر دکتر یزدی این خصوصیت را نزد بازرگان نیاموخته و تمرین نکرده، یکی از شخصیت‌های برجسته انقلاب است که یک بار گفته بودند «اگر بازرگان بمیرد نهضت آزادی نیز خواهد مرده». اما آنچه درواقع اتفاق افتاد استمرار این جریان فکری و سیاسی بر پایه اندیشه‌های رنالیستی و امتدادگراییانه مهندس بازرگان بود که اتفاقاً خود آقای عبیدی هم بر همین مشی مالوف در قاموس عملکرد مدیریتی دکتر یزدی ادغان دارند: «این استمرار نشان از دو ویژگی مهم دارد؛ یکی قدرت انطباق‌پذیری با شرایط به‌نسبت گوناگون در این شش دهه گذشته است و دیگری واکنج‌گرایی نسبی و پرهیز از هیجانات سیاسی است که بسیاری از سیاستمداران دچار این ویروس ویرانگر می‌شوند.»

## سیاست خودرویی یا خودروی سیاسی

**سیدمحمد کسانیان**

را داشته باشد و همچنین مسئولان ارشد تصمیم‌گیر کشور برای ارتباط با کشورهای صاحب فناوری روز صنعت خودرو امکان مناسبات دیپلماتیک و تجاری را تسهیل کنند و همچنین لازمه انجام هر کاری، اراده و خواستن انجام است که این اراده در مدیران صنعت خودروی کشور ضعیف است. ضمناً کشورهای چین و کره‌جنوبی تقریباً هم‌زمان با ایران، صنعت خودروسازی خود را راه‌اندازی کرده، ولی در دهه اخیر به پیشرفت‌های زیادی دست پیدا کرده‌اند که این جز با بهره‌گیری از متخصصان دلسوز داخلی و همچنین طراحان بزرگ و به نام شرکت‌های خودروسازی برند دنیا و با صرف هزینه و اراده آهنین توانسته‌اند حتی به